

گویند سنگ لعل شود در مقام صبر

آری شود ولیک به خون جگر شود

ممکن کردن ناممکن‌ها

تکثر مجله‌ها و فصلنامه‌های دانشگاهی و انجمن‌های علمی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری را بر آن داشته تا در راه «تخصصی‌سازی» نشریه‌هایی که زیر چتر آن وزارتخانه قرار دارند، اقدام کند و به نظر می‌رسد که فصلنامه روان‌شناسان ایرانی که از این پس با عنوان اصلی «روان‌شناسی تحولی» انتشار خواهد یافت، نخستین هدف در دسترس بوده است.

ما خود همواره بر این باور بوده‌ایم که پیشرفت فزاینده همه شاخه‌های علمی و به خصوص روان‌شناسی در عصر حاضر مستلزم تخصصی‌شدن مجله‌هایی است که بتوانند یافته‌های حاصل از شاخه‌های مختلف این دانش را منتشر کنند.

این نکته روشن است که مقاله‌های ارسال شده برای همه مجله‌های علمی در سراسر جهان، قلمروهای معین فعالیت استادان و دانشجویان را منعکس می‌کنند و پیشرفت گسترده دانش در پایان دهه اول هزاره سوم میلادی حاصل تبلور یافته‌های چندین نسل از پژوهشگران در یک زمینه خاص است با این تفاوت که در کشور ما، پیشرفته‌ها و دستاوردها همواره قائم به فرد بوده‌اند و هنوز این سنت شکل ثابتی نیافته است.

پذیرش این اصل مبرهن، ما را بر آن می‌دارد تا با طرح اجمالی موانعی که در راه تخصصی‌شدن مجله‌های روان‌شناسی وجود دارند، بپردازیم:

- اغلب استادان کنونی دانشگاه‌ها فارغ‌التحصیلانی هستند که عنوان دکتری دارند ولی در هیچ کدام از رشته‌های تخصصی از مهارت لازم برخوردار نیستند. معذک در مقام تدریس، همه گرایشها را قبول می‌کنند. نگاهی به برنامه تدریس آنان به خوبی نشان‌دهنده این مطلب است.

- به ندرت با استادانی مواجه می‌شویم که میدان فعالیت خود را به یک شاخه تخصصی روان‌شناسی محدود کرده باشند. کمتر استادی دیده می‌شود که از پذیرش یک پایان‌نامه به علت عدم تخصص در شاخه مورد نظر اجتناب کند.

• در شرایط کنونی پیشرفت دانش روان‌شناسی در سطح بین‌المللی، متمایز کردن نظریه از پژوهش امکان‌پذیر نیست. نظریه‌ها پیامد پژوهش هستند و پژوهش‌های جدید بر مبنای نظریه‌پردازی شکل می‌گیرند. اما در کشور ما، با نگاهی بسیار خوشبینانه می‌توان ادعا کرد که امکان تدوین کتب و قراردادن منابع نظری در اختیار مدرسان و دانشجویان وجود دارد که آن هم متأسفانه به علت اینکه در ضوابط ارتقای شغلی امتیاز چندانی به دست نمی‌آورد، مورد استقبال قرار نمی‌گیرد! چون طبیعی است که وقتی می‌توان با ردیف کردن مقاله‌های دانشجویی، از هر دست و هر مقوله‌ای، به آسانی به مراتب بالاتر دست یافت، ضرورتی برای تحمل مشقات تدوین کتاب احساس نمی‌شود و همین امر، روزبه‌روز بر تعداد استادان «بی‌کتاب» می‌افزاید.

اما حتی اگر این مشکل نیز حل‌شدنی باشد، این مسئله مطرح می‌شود که چگونه یک علم تجربی مانند روان‌شناسی می‌تواند بدون استفاده از روش‌های علمی مشاهده و تجربه و ابزار و امکانات تحقق آنها، به تدوین نظریه‌ها دست یابد؟ در حال حاضر در هیچ یک از مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه‌های کشور ما چنین امکاناتی به وجود نیامده است و در نتیجه، همه پژوهشگران به اجرای پرسشنامه‌ها و نتیجه‌گیری از آنها و یا چند جلسه به اصطلاح درمانگری، بدون در دست داشتن شرایط لازم قناعت می‌کنند که آن هم مملو از مشکلات روش‌شناختی است. تردیدی نیست که این روند نه تنها ما را به مرزهای کنونی دانش روان‌شناسی نمی‌رساند بلکه هرگز امکان نوآوری و نظریه‌پردازی را نیز فراهم نمی‌کند.

• بالاخره باید گفت به‌رغم مشکلات فراوانی که به برخی از آنها اشاره شد در صورتی که **تصمیم‌گیری وزارت علوم جنبه عام بیابد و همه مجله‌های ما به تدریج به صورت تخصصی درآیند**، شاید در درازمدت، بی‌اثر نباشد یعنی ضرورت انتشار مقاله‌های تخصصی در مجله‌های ملی و بین‌المللی موجب شود تا استادان و دانشجویان به مقوله‌های خاص‌تر و روش‌شناسی دقیق‌تری روی آورند.

انتشار فصلنامه روان‌شناسان ایرانی با عنوان اصلی «روان‌شناسی تحولی» پرسش‌های متعددی را برای مؤلفان و خوانندگان وفادار مطرح کرد که مهمترین آنها تعیین طیف مقاله‌هایی است که از این

پس از لحاظ محتوایی پذیرفته می‌شوند. بنابراین، ضرورت تصریح قلمرو و هدفهای فصلنامه برای رفع هر ابهام ضروری به نظر می‌رسد.

روان‌شناسی تحولی که به غلط در فهرست برنامه‌های مقاطع مختلف تحصیلی با اصطلاح روان‌شناسی «رشد»^۱ مشخص شده، شاخه‌ای از روان‌شناسی است که به پیشرفت شناخت و نظریه‌های مرتبط با آن در گستره زندگی می‌پردازند. بنابراین، در این فصلنامه به انتشار مقاله‌های بدیع نظری، تجربی و مروری در قلمروهای روان‌شناسی تحول بهنجار و مرضی در مقاطع مختلف زندگی از نوزادی تا سالمندی خواهیم پرداخت. همچنین از مقاله‌هایی که درباره سیاست اجتماعی مبتنی بر دانش تحولی که با آموزش و پرورش، سلامت یا بهزیستی خردسالان، کودکان، نوجوانان و وهله‌های مختلف بزرگسالی مرتبط است استقبال خواهد شد. پوشش دادن به قلمروهای تحول اجتماعی، شناختی و عاطفی و همچنین تحول فردی (خود، هویت و شخصیت) از نمای تک رشته‌ای یا بین-رشته‌ای نیز در چهارچوب هدفهای این فصلنامه قرار خواهد داشت.

با وجود همه مشکلات بر سر راه، با اتکا به عنایت خداوند، همراهی همکاران دلسوز و همه شاگردان سابق و استادان کنونی که هیچگاه مرا تنها نگذاشته‌اند امیدوارم که این تغییر نام و محتوا بتواند به گسترش روان‌شناسی تحولی، یعنی آرزوی همیشگی من تحقق بخشد و بخش کوچکی از دین مرا به استاد بزرگوارم ژان پیاژه ادا کند.

سردبیر

پریرخ دادستان